

زندگی در زمان آنفسی لَيْلَةُ الْقَدْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حاضر شدن در زمان آنفسی نزد خود با نظر به انسانی به نام زهرا مرضیه «سلام الله علیها»

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (1) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (2) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (3) تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (4) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ» (5)
حضور در جامعیت وجودی خود

1- از امام صادق «علیه السلام» روایت شده است که: «مَنْ أَدْرَكَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»؛ هرکس فاطمه «سلام الله علیها» را حقیقتاً درک کند، به واقع لَيْلَةُ الْقَدْرِ را درک کرده است. این روایت حکایت از آن دارد که در آینه شخصیت حضرت زهرا «سلام الله علیها» و توجه به هویت خاص آن حضرت نسبت به نقشی که چه در زندگی خود در رابطه با پدر گرامی‌شان به عنوان پیامبر خدا داشتند و چه نقشی که با وصیت خود و مزار پنهان‌شان ایفاء کردند که همچنان آن نقش ادامه دارد، ما متوجه حضوری در خود می‌شویم که همان حضور آنفسی است که در شب قدر برای انسان پیش می‌آید و انسان در جامعیت وجودی خود در آن شب، حقیقت را به صورتی اجمال درک می‌کند مثل حضوری که حضرت زهرا «سلام الله علیها» نسبت به پدر خود داشتند و منجر به نحوه‌ای از حضور شد که رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» حضرت زهرا «سلام الله علیها» را اُمّ ابیها نامیدند، به این معنا که آن حضرت، مادر آن چیزی است که با رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» به ظهور می‌آید و این یعنی هرکس در شب قدر وجودی خود که همان زمان آنفسی‌اش می‌باشد، پیشاپیش نسبت به آنچه باید پیش آید، نزد خود حاضر است. مثل دختری که زودتر از پدر به عنوان «اُمّ ابیها» به ظهور آمده که همان زودتر به ظهور آمدن خود می‌باشد. به همان معنایی که می‌توان گفت شب قدر یعنی آغازی که پیشاپیش در راه است، همان لیلَةُ الْقَدْرِ است که زودتر هزار ماهی که در فرداهای زندگی به ظهور می‌آید، در نزد انسان حاضر است.
ما در چه زمانی حاضریم؟ تقویمی یا آنفسی؟

2- با نظر به این‌که با درک شخصیت حضرت زهرا «سلام الله علیها» می‌توان «لیلة القدر» را به عنوان حضوری که پیشاپیش در راه است درک کرد، ما با حضور تاریخی خود متوجه «زمان آنفسی» که از درون احساس می‌شود، می‌باشیم و آن زمان غیر از زمان تقویمی است، حال باید از خود پرسید ما در چه زمانی زندگی می‌کنیم؟ و زمان حقیقی ما کدام زمان است، آیا در زمانی که در درون ما است و خود را در آن احساس می‌کنیم، حاضریم؟ به همان معنایی که اهل نظر فرموده‌اند تفکر، تاریخی است و یا تنها در زمانی حاضریم که تقویم‌ها تعیین می‌کنند؟¹

حضور در تاریخ آنفسی انقلاب اسلامی در جای خود حضور در لیلَةُ الْقَدْرِ برتر از هزار ماه

3- با توجه به امر فوق و حضور در زمان آنفسی که هرکس در درون خود آن را احساس می‌کند، باید از خود پرسید اگر «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»

1 - از حضرت صادق «علیه السلام» در رابطه با حضور در زمان آنفسی داریم: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِبَلْسَانِهِ» (إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص: 74) بر انسان عاقل لازم است که نسبت به زمان خود - که همان زمان آنفسی است - آگاه و بصیر باشد و بر اساس شأن خود با هر چیزی روبه رو شود و حافظ زبان خود باشد تا مطابق درک زمانه خود سخن بگوید. یا از حضرت علی «علیه السلام» داریم: «أَعْرِفْ النَّاسَ بِالزَّمَانِ، مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ» (غرر الحکم و درر الکلم، ص: 480) زمان‌شناس‌ترین مردم کسی است که از آنچه پیش می‌آید تعجب نمی‌کند. زیرا ظرفیت و امکانات زمانه خود را - که همان زمان آنفسی و تاریخی است - می‌شناسد که آن زمان چه ظرفیتهایی دارد و چه امکانات و ظرفیتهایی را ندارد.

است و یک شب می‌تواند از هزار ماه برتر باشد، آیا ما در زمان قدسی که با انقلاب اسلامی پیش آمده است، حاضریم و به آن فکر کرده‌ایم؟ حضور در زمانی که دیگر زمان تقویمی نیست، بلکه در جای خود لیلۃ القدری است برتر از هزار ماه تقویمی. در این رابطه می‌توان به رخداد اربعینی این سالها فکر کرد که خود، لیلۃ القدری است تاریخی.

حضوری متفکرانه

4- حضور در زمان انفسی که انقلاب اسلامی در نظرها می‌آورد، انسان را به جهت تفکر تاریخی‌اش، متفکر می‌سازد، تا آنجایی که می‌تواند در عین حضور در آینده، با گذشته تاریخی خود مأنوس باشد، مثل زندگی و انس با اصحاب امام حسین «علیه السلام» که با حضور در گذشته تاریخ قدسی خود، در آینده خود با هویتی قدسی حاضر می‌شویم. زیرا در همان راستای درک حضرت زهرا «سلام الله علیها» و درک شب قدر، به معنای درک زمان انفسی خود، می‌توان با نظر به کربلا و حضرت سیدالشهدا «علیه السلام» لیلۃ القدر را به معنای واقعی درک نمود به همان معنای «مَنْ أَدْرَكَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»؛ که همان زمان انفسی ما است در نزد خود و حال مائیم و درک زمان انفسی خود در انقلاب اسلامی که ادامه حضور کربلایی ما است.

«حضور تاریخی» غیر از «اطلاع تاریخی» است

5- از آنجایی که حضور تاریخی، امری است درونی و با جان انسانها ارتباط دارد و هستی انسان را با انسان در میان می‌گذارد، نمی‌توان حضور تاریخی را صرفاً با امری مثل اطلاع یافتن از موضوعات و وقایع تاریخی به دست آورد، زیرا حضور تاریخی امری است مربوط به تقدیر انسانها ذیل اراده الهی و انسان تنها می‌تواند سعی کند خود را ذیل آن اراده قرار دهد و به یک معنا خود را در تقدیر الهی حاضر کند و البته این امر، امر بسیار مهمی در رابطه با واقع بودگی انسان و نجات از بی‌تاریخی او می‌باشد که همان «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» است که سوره مبارکه قدر مقابل رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» و مقابل دیگر مؤمنین گشود تا از روزمرگی آخرالزمانی که همان نیهیلیسم و نیستانگاری است، نجات یابیم.

بشر جدید و نیاز به حضور لیلۃ القدری و تاریخ انفسی

6- با روبه‌رو شدن با ظلمات فکری بشر آخرالزمانی و با نظر به انکارهای بزرگی که بدان دامن می‌زند و اینکه انسان در این زمانه خودش برای خود مسئله شده است، در مواجهه با پرسش‌های اصیلی که این بشر با آن روبه‌رو شده، باید متفکرانه به آن پرسش‌ها جواب داد، تا گمان نکند بنا داریم ما با نوعی سطحی‌نگری، تجری را در رابطه با سنت‌های خود به او تحمیل کنیم، با اینکه با نظر به سنت‌های لایتغیر عالم، چنانچه به درستی مد نظر قرار گیرند، افق‌های جدیدی در مقابل پرسش‌کنندگان گشوده می‌شود تا خود را در «زمان انفسی» و «زمان باقی» احساس کنند که این همان حضور و درک «لیلۃ القدری» اوست، زیرا حقیقتاً «وسعت دید، تنها در دگرگونی افق

دید ممکن است» و جهان مدرن افق‌های حضوری که بشر آخرالزمانی سخت به دنبال آن است، کور کرد و جهان و طبیعت را تبدیل کرد به منبع انرژی تا هر طور خواست در آن تصرف کند و بشر بی‌خانمان شد و از حضور در زمان باقی و لیلۃ القدری تاریخی خود بیرون افتاد.

جوابی مطابق وجوه لیلۃ القدری بشر جدید

7- فراموش نکنیم که بشر جدید فهم خاصی نسبت به خود دارد و باید تکالیف شرعی را مبتنی بر همان فهمی که او از خود دارد، با او در میان گذارد و مسلماً با نظر به وجوه متعالی بشر جدید، تکالیف شرعی در عالی‌ترین سطح برای او قابل پذیرش است، مشروط بر آن‌که گرفتار سطحی‌نگری در امر ارائه معارف عالیه دینی نشویم و به صرف گستردگی آموزه‌های دینی از عمق آن‌ها و وجوه «لیلة القدری» شان که همان توجه به زمان قدسی است، غفلت نشود. در این صورت است که حضوری را در خود احساس می‌کند که از هزار ماهی که در پیش دارد برتر است. این انسان، ماورای توهمات است که شبکه جهانی رسانه‌ها بنا دارند به بشر جدید القاء کنند. این انسان یعنی امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در زمانه خود، زیرا توانسته است زمان قدسی و لیلة القدر تاریخی خود را که حضوری است همه‌جانبه نزد خود، بیابد.

راز نارضایتی فراوان بشر جدید

8- چه سود می‌برد انسانی که به گمان خود بر عالم مسلط شده ولی بر نفس خود مسلط نباشد و در درون خود به جهت آنکه در زمان انفسی خود حاضر نیست، احساس نارضایتی فراوانی می‌کند که اصطلاحاً به آن «نیست‌انگاری» یا «نیهیلیسم» می‌گویند، امری که با مدرنیته ظهور کرد. آیا با حضور تاریخی نسبت به انقلاب اسلامی، به عنوان زمانی قدسی و لیلة القدر تاریخی ما، با کانونی امیدبخش در جهان کنونی روبه‌رو نیستیم تا بشر از آن بی‌افق‌بودن که موجب نیست‌انگاری است رهایی یابد؟
انسان هرگز تنها نمی‌میرد، با خود لیلة القدری‌اش به‌سر می‌برد

9- اگر آفرینش برای هرچه بیشتر سرمست‌شدن انسان است در راستای بهتر به‌سربردن با خود و آن حضوری است که از طریق وجود خود یعنی وجود بیکرانه اکنون‌اش برای او حاصل می‌شود، پس ما به یک معنا هرگز تنها نمی‌میریم،² بلکه با حضوری در خود به‌سر می‌بریم که به عنوان حضوری لیلة القدری، در طلب حضور در بیکرانگی وجود است. حال چگونه باید با خود به‌سر ببریم که تنهایی‌های دنیایی ما سراسر حضور باشد، نسبت به «وجود» و نسبت به درک «حضور اکنون بیکرانه جاودانه» خود؟ در حالی‌که مشغول‌کردن خود به اموری که ما را از حضور اکنون بیکرانه خود غافل می‌کند، هرچه هست، درمان احساس تنهایی ما نیست، همه و همه وسایلی هستند جهت غفلت از آن حضور، حضوری که راه است و نه چاه، و پاسخی است به هستی خود برای رهایی از نیست‌انگاری. یعنی حضور در زمان انفسی تاریخی خود که همان انقلاب اسلامی است، حضوری که: «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» برتر از همه زندگی است. مانند حضور اربعینی این سال‌ها که حضوری است در زمان انفسی، سه روز پیاده‌روی نیست، بلکه حضور است در زمان انفسی لیلة القدری خود.

آن آغاز، پیشاپیش در راه است

10- با نظر به «لیلة القدری» وجودی خود و توجه به «زمان انفسی»، ابتدا با آنچه شنیده نشده و تا به حال گفته نشده و اندیشیده نشده و حالتی اجمالی دارد، روبه‌رو می‌شویم و سپس در طول زندگی، در بستر حیات توحیدی، همان حضور است که بسط پیدا می‌کند و از این جهت می‌توان گفت: «آن آغاز، پیشاپیش در راه است.» همچون فرزندی که زودتر از مادر متولد شده. زیرا «زمان انفسی» با جامعیت خود در نزد انسان حاضر است امری که حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به طور خاص نسبت به انقلاب اسلامی احساس می‌کردند.

2 - به تعبیری زبان حال هر کس در آن حالت می‌تواند این باشد که «حال من بد نیست در تنهایی‌ام / با خودم در خلوت، تنها نی‌ام»

تفکر هستی‌شناسانه و افقی که در همه ابعاد زندگی در پیش است

11- وقتی تفکر هستی‌شناسانه و نظر به زمان انفسی در میان باشد می‌توانیم در همین زمان، آری! در همین زمان، به افقی نظر کنیم که بشر جدید در عین آمادگی برای توجه به آن، از آن غفلت کرده است. افقی که خبر از عطایی می‌دهد تا انسان‌ها در همین زمانه بتوانند به امکان شکوفایی خود در هستی بیکرانه خود نظر کنند و در آن حاضر شوند. امکانی که از بس نزدیک است ما از آن در غفلت هستیم. زیرا رسیدن به آنچه در نزدیکی ما است از بس گسترده است، بسی طولانی است و با انتظاری امیدوارانه می‌توانیم آن را در خود و در نزدیکی خود احساس کنیم. آیا این همان حضور در لیلۃ القدری نیست که از یک طرف فرشتگان، همراه با «روح» بر انسان نازل می‌شوند و از طرف دیگر ما را به هیچ امر مشخصی متوجه نمی‌کنند؟ بلکه تنها تقدیری را که همان حضور خاصی است نزد خودمان، پیش می‌آورند. این حضور از هزار ماه برتر است، زیرا به بودن ما ربط دارد و نه به موضوعی خاص و یا آرزوهای دنیایی.

شهدا و تحقق حضور لیلۃ القدری درونی آنها

12- آیا می‌توان نسبتی را که بین شهدا و انقلاب اسلامی پیش می‌آمده است را در حضور لیلۃ القدری آنها و طلب هرچه بیشتر به ظهور آمدن آنچه باید از اجمال به تفصیل می‌آمد؛ دانست؟ آگاهی اولیه آنها نسبت به تاریخی که در آن حاضر بودند و طلب حضور بیشتر در آن تاریخ بود که به شهادت آنها منجر شد، از بس نسبت به آن حضور بی‌قرار بودند، حضوری بس تأثیرگذار بر وجدان مردم، در تاریخی که با انقلاب اسلامی شروع شده بود تا مردم ما خود را در زمان انفسی تاریخ خود همچون درک لیلۃ القدر احساس کنند و همان‌طور که می‌توان با نظر به شخصیت حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» متوجه لیلۃ القدری در خود شد که گویا همه حقیقت یکجا در ما حاضر است.

راز نزول روح، در شب قدر

13- آیه «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» ما را متوجه امری می‌کند ماورای امور آموختنی، بلکه نظر به حضوری است که برای انسان پیش می‌آید. می‌فرماید: ملائکه و روح در آن شب نازل می‌شوند؛ پس اولاً: فرشتگان و روح به عنوان موجودات مجرد بر ابعاد مجرد انسان‌ها نازل می‌شوند و قلبها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ثانیاً: چون فرشتگان حامل اسم یا اسمایی از حضرت «الله» هستند و با نزول خود جان انسان‌ها را با آن اسماء آشنا می‌کنند، موجب توجه قلب انسان‌ها به مظاهری می‌شوند که خداوند از طریق آن مظاهر با ما گفتگو می‌کند و در آن شرایط است که قلب انسان مستعد حضوری می‌گردد که اول در آخر و آخر را در اول می‌یابد به همان معنایی که حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» متوجه شدند این قرن، قرن نابودی ابرقدرتها است. ثالثاً: چون می‌فرماید علاوه بر فرشتگان، «روح» هم نازل می‌شود و روح نسبت به فرشتگان در مقام جامعیت و قرب بیشتری است و طبق آیه‌ای که می‌فرماید: «يُنزَلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ» (نحل/ 2) خداوند ملائکه را از طریق «روح» نازل می‌کند که از امر اوست؛ ملائکه در عین متفاوت بودنشان در تجلی اسماء الهی، همه و همه از مقام «روح» اند و این‌که می‌فرماید: در شب قدر علاوه بر ملائکه، روح هم نازل می‌شود، مژده بزرگی است به بشریت، حاکی از آن‌که اسماء الهیه به صورت جامع در مقام لیلۃ القدری بر قلبهای مستعد نازل می‌گردند و انسان با خداوند به صورتی که فوق تجلیات

اسماء کثیره است آشنا می‌شود. امری که بشر آخرالزمان که می‌خواهد در کلّ جهان حاضر شود، بدان نیاز دارد. و این است راز نزول روح در شب قدر.

توجه به شب قدر و حضوری دیگر

14- وقتی همیشه پنجره‌ای به سوی امری باز شود، می‌توان به جای دیدن آن پنجره، از طریق آن پنجره، جهان و زندگی را دید و ما زمانی پنجره را باز می‌کنیم که نیاز به هوا و نور تازه داشته باشیم. حال که ماورای روزمره‌گی‌ها، آماده کشف مجدد نیم‌روز دیگری هستیم و به فکر مواجهه با آسمانی روشن و درخشان و رمزآلود افتاده‌ایم، عملاً آماده وسعت‌بخشیدن به افق‌های تازه‌ای می‌باشیم، فراتر از آنچه هستیم و به آن عادت کرده‌ایم. این یعنی حضور در شب قدری بسی برتر آن هزار ماهی که در آن خواهیم بود. و آن فرآیندی است برای شدن، و این غیر از آن است که همانی را رشد دهیم که در آن هستیم. بلکه برعکس، به تاریخی فکر کنیم که همچون شب قدر ما را در کلیت آخرالزمانی ندا می‌کند و راز تکرار سوره قدر در هر نماز در رابطه با این حضور است، در تمام تاریخی که در آن حاضریم.

مطلع فجر لیلۃ القدر انقلاب اسلامی

15- حضور در زمان انفسی انقلاب اسلامی، لیلۃ القدری است با نور جامعیت

خود و حضوری که برای انسان با نظر به حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» در این تاریخ پیش می‌آورد و در جان انسان‌ها جهانی را می‌گشاید که حقیقت همچون ستاره‌ای به درخشش می‌آید و انسان‌ها دروغ و توهم را از راستی و درستی و زندگی را از جان‌کندن در دنیا تفکیک می‌کنند تا به مطلع فجری بیندیشند که در شب‌های ظلمانی سیطره استکبار فراموش نکرده‌اند، اهداف بلندی که انسان را در هستی خود حاضر می‌کند و نه در دانایی‌هایش و هر چیزی را در نسبت با هستی‌اش که عین ربط به وجود مطلق و توحید است، می‌نگرد.

در لیلۃ القدر تاریخی انقلاب اسلامی، مطلع فجری در پیش است که انسان به

سادگی ارزش‌های دروغین و توهمی شب‌های تاریک دیروزین را پشت سر می‌نهد، با حضور در عالی‌ترین صورت خالی از توهم. حال باید از خود بپرسیم ما با نظر به طلوع فجری که در پیش است، در این تاریخ با قامتی افراشته همچون حاج قاسم سلیمانی و یا از آن مهم‌تر همچون رهبر معظم انقلاب ایستاده‌ایم یا مانند بعضی از سیاسیون و اسیران رسانه‌های دروغ‌پرداز، به خاک افتاده‌ایم؛ این مربوط به خود ما می‌باشد که در تاریخ خود، کجا ایستاده‌ایم؟

16- مطلع فجر انقلاب اسلامی با زبان اشاره به حقایق قدسی

انسان در لیلۃ القدر، پیشاپیش متوجه وجود و حضور اجمالی اموری می‌شود

که در پیش‌اند، همچون شب قدر که رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» پیشاپیش متوجه وجود اجمالی آیات قرآن شدند، قبل از آن‌که آن آیات به صورت تفصیلی و در طی 23 سال بر آن حضرت، در زمان عادی و تقویمی نازل می‌شوند، پیامبر خدا «صلوات الله علیه و آله» پیشاپیش در «زمان باقی»، همه قرآن را در خود یافتند. در همین رابطه می‌توان به آینده‌ای فکر کرد که آن آینده در افق زمانه و در افق تاریخ ما قابل فهم است و در چنین حضوری است که زبانی مناسب زمان باقی ظهور می‌کند که بیشتر زبان اشاره است به آنچه باید باشد و برگشت به نحوه‌ای از معنویت است که معنویت پس‌فردایی و آخرالزمانی است. زبانی که از حقایق ازلی و قدسی بهره‌مند است، تا هرکس به کمک آن زبان،

خود را در لیلۃ القدر تاریخی و در زمان باقی و اکنون بیکرانه خود احساس کند.

حضور در لیلۃ القدر تاریخی یا زمان انفسی و عبور از سیطره کمیت

17- در این هیچ شکی نداریم که بشر امروز با سرگردانی در وجه کمیت موجودات، از درک حقیقت وجود و وحدت حقیقی و زمان باقی محروم شده و از این جهت اصالت را در نظام‌هایی دنبال می‌کند که به جای توجه به خیر و شر، به بر آوردن سود و زیان نظر دارد و در این فضا به آنچه انبیای الهی مد نظرها آورده‌اند، شک می‌کند، تا آنجایی که بشر جدید گرفتار توهمات شبکه جهانی، حتی نمی‌داند فضیلت چیست. زیرا فضیلت در عقلی که نسبت به همه چیز با نگاه حسابگرانه و کمیت‌گرا می‌نگرد، جایگاهی ندارد که به آن اندیشیده شود. انسان‌ها با نگاه هندسی و کمیت‌گرا گمان می‌کنند به همه چیز دانا شده‌اند، در حالی که خردشان به امور والا و حضور لیلۃ القدر انفسی که نوعی وحدت و یگانگی را در میان کثرات جاری می‌کند، تیره شده.

لیلۃ القدر و حضور در نظم توحیدی

18- پیامبر خدا در «لیلۃ القدر» خود که حضور در زمان باقی است، احساس وجود می‌کردند و در آن حال سنت‌های توحیدی را یکجا درک می‌نمودند، از آن جهت که توجه به این حضور و نظر به سنت‌های توحیدی موجب می‌شود تا انسان در نظمی خاص قرار گیرد، حضور در سنت‌هایی که بسیار لطیفتر از نظمی است که عقل مهندسان به جوامع مدرن توصیه می‌کنند.

آفات غفلت از حضور لیلۃ القدری و غلبه توهمات

19- در فضای عقل کمیت‌گرا است که انسان از حضور در لیلۃ القدر خود که موجب احساس حقیقت است، محروم می‌شود. وحدت حقیقی که مأوای جان انسان است، در فضای عقل کمیت‌گرا و سیطره کمیت، به حاشیه و به حجاب می‌رود و انسان‌ها خواسته یا ناخواسته مستقل از اراده یکدیگر عمل می‌کنند و هرکدام کوس «أنا الحق» می‌زنند و به فرعونیت خود می‌پردازند و در این فضا است که خودبنیادی بشر به فعلیت می‌رسد و به جای درک حضور بیکرانه انسان که جواب حقیقی بشر جدید است، توهمات است که عنان بشر جدید را در اختیار می‌گیرد و از حضور لیلۃ القدری که بشر می‌توانست به جهت ذات گشوده‌اش در همه عوالم حاضر شود و همه عوالم را از آن خود کند، محروم می‌گردد.

چگونگی «مطلع فجری» که در پیش است

20- وقتی به لیلۃ القدر و به زمان انفسی می‌اندیشیم در افق این حضور که از طریق ملائکة الله و روح رونق گرفته، تازه متوجه «مطلع فجری» می‌شویم که قابل توصیف نیست و تنها می‌توان با زبان اشاره یعنی «هی» از آن خبر داد و گفت: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» حضوری که با هیچ نامی نمی‌توان آن را وصف کرد، سلام است و از هر ضعف و نقصی مبرا است، و تا هستیم باید منتظر مطلع فجری باشیم که در پیش است، همچون ستاره‌ای که در آسمان جان و جهان‌مان می‌درخشد و در آن حالت است که نتیجه دینداری معلوم‌مان می‌شود، فراتر از لیلۃ القدر. حضوری که همان حضور انسان است در هستی بیکرانه‌اش، عین حضوری که خداوند با هر کس دارد و انسان از آن

آگاه نیست مگر آن که «مطلع فجری» برایش پیش آید، حالتی و حضوری که تا به حال در مورد آن هیچ‌گونه تصویری نداشت.

چه می‌توان در مورد حضوری سخن گفت که خداوند تنها در وصف آن فرمود: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ». آن چه فجری است که چون طلوع کند و بر دمد، «سَلَامٌ» است. خوب است در این مورد به آیه 17 سوره سجده فکر کنیم که اشاره به حضوری دارد با این وصف که می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هیچ‌کس در مسیر دینداری‌اش،

نمی‌داند چه چیزی برایش پنهان شده که چشم او را روشن می‌کند، حاصل اعمالی که انجام داده و رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» در شرح آن آیه، به این حدیث قدسی اشاره می‌کنند که: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ.» خداوند متعال فرموده است: برای بندگان نیک خود چیزهایی فراهم آورده‌ام که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه به ذهن بشری خطور کرده است.

این است راهی که با درک لیلۃ القدر، به‌خصوص با حضور در زمان انفسی لیلۃ

القدر تاریخی که انقلاب اسلامی باشد، مقابل ما گشوده شده و شهدا توانستند از این طریق ره صدساله را یک‌شبه طی کنند و به تعبیر حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ اند». آری! «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ». و این حکایت از آن دارد

که هرکس لیلۃ القدری را در این تاریخ برای خود نیابد، هیچ آینده‌ای برایش در پیش نیست. در حالی‌که ما در این مسیر، نه در پایان راه هستیم و نه راه، بدون مانع است ولی همه چیز حکایت از آن دارد که «مطلع فجری» در پیش است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته